



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۲۲



صلاح الدین سعیدی

مناقفت



مطلب جالب، مهم و خوبی تحت عنوان مناقفت را امروز در ... خواندم .

اما در مورد تأکید اینکه اگر عوض جناب خلیل زاد یک امریکایی الاصل موظف مسائل افغانستان می بود به این پیمانہ بی رحمانہ و بی انصاف در برابر ما عمل نمی کرد.»

باید گفت که :

در تحلیل های سیاسی خود بعد از اینکه اظهار داشتیم توافق جهان - اروپا و امریکا (اوباما) با ایران در مورد انرژی اتومی ایران صورت نخواهد گرفت اما چنین توافق صورت گرفت و بعد از پیش بینی من که آقای دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا انتخاب نخواهد شد، اما انتخاب شد، من را در قضاوت ها و تحلیل های من در مسائل سخت متردد، غیر متیقن و یا دقیق بگویم سخت محتاط ساخت.

قضاوت من به انتخاب جناب خلیل زاد به حیث نماینده امریکا برای صلح ... و به نحوی در مسائل افغانستان و منطقه به خاطر افغانی الاصل بودن جناب خلیل زاد و قصه خلیل زاد و مادرش که مادرش وی را در آخرین لحظات زندگی با گرفتن نیکتایی اش، متوجه ادای رسالت خیر در برابر افغانستان ساخته و برایش اکیداً توصیه کرده بود: «...که افغانستان را فراموش نکن و ...» سخت خوشبین ساخته بود و به نحوی این خوشبینی من ادامه داشت. اما در توافق دوحه بین امریکا و یک گروه از طالب/پاکستان من را بار دیگر به شک و تردید های جدید از عدم صداقت و عدم اولویت دادن جانب امریکایی به منافع افغانستان و یا حصول رضایت پاکستان ولو به قیمت بی آبرو ساختن افغانستان در من جدی تر ساخت.

خوشبینی های اولی من با شک و تردید ها مواجه شده است، چون می دانم پاکستان و ایران افغانستان مستقل، متکی به خود را دیده نمی تواند.

تحمیل سیم خاردار در داخل خاک افغانستان، راکت پراگنی های پاکستان بر افغانستان، کوچ دادن های اجباری افغان ها از مناطق بین افغانستان و پاکستان امروز و ایجاد عملاً سرحدات؟! پاکستانی در داخل خاک افغانستان (برنامه های جنرال زید

حامد پالیسی میکر پاکستان موجود در یوتیوب) و بالاخره تحمیل توافق امریکا و گروه از طالب/ پاکستان برجانب حکومت افغانی به رهبری داکتر اشرف غنی در رأس تحمیل رهایی ۵۰۰۰ هزار اسیر پاکستانی، طالب و ... بر اساس توافق امریکا در تناقضات صریح گفتار و عمل جانب امریکایی و توهین به جانب افغان است. چنین روش ما را به ادامه جزیه دادن امریکا به پاکستان معتقد و باورمند ساخته و عمل کردهای خلاف تأکیدات شفاهی امریکا را در مذاکرات صلح مستند می سازد. از ضمایم سری ممکن توافق امریکا و طالب اصلاً موی بر جان انسان استاده میشود. لذا آنرا نمی توان بدون داشتن متن آن اصلاً مورد بحث جدی قرار داد.

بلی ظاهراً تأکید جانب امریکایی بود که گویا مذاکرات طالب/پاکستان و امریکا در دوحه مسایل مختص بین خود ایشان است. در حالیکه ما به بی معنا بودن این تأکید باور داشتیم اما گاه گاه چنین مفهوم را در ذهن خویش اجازه میدادیم. اما توافقات سری ضمیمه آن ما را سخت متردد ساخت. اگر توافق سری بخش از غوند ضربه شدن طالب در خدمت امریکا علیه نیرو های دیگر تروریستی و ایران در منطقه باشد، سؤال مطرح میشود که طالب و جانب پاکستان چه وعده ها و امتیازی در برابر این غند ضربه شدن طالب، بدست آورده است؟ و آن انتقال مسالمت آمیز قدرت که عمران خان به آن در مصاحبه های اشارات و تذکرات دارد، کدام انتقال است؟

من باور دارم که با وجود شناخت جناب خلیلزاد از سیر و بودینه اطراف قضایا در افغانستان، که باید مکاری های اطراف قضایای افغانستان را به حد اقل می رسانید اما خلاف توقع وضع به فرصت دادن بیشتر شرارت می رود. دلیل مخالفت ایران و پاکستانی و عمال افغانی ایشان را با تقرر جناب خلیل زاد در افغانستان همین شناخت خلیلزاد می دانستم ولی نتیجه دارد معکوس می شود. ایران پاکستان و عمال داخلی شان مدت های طولانی درین زمینه به فریب و خدعه موفقانه جهان پرداخته اند. تعجب کردم که این مرتبه چطور جناب خلیلزاد را فریب داده باشند و یا سؤال همان به هر قیمت رسیدن به هدف خود و اهداف کلان جانب امریکایی است.

به یقین گفته میتوانم که مشکل ما در امریکایی الاصل و غیر اصل بودن نماینده امریکا در مسایل صلح و حل مسایل افغانستان نیست.

مشکل در سیاست درست و نادرست است که بحث نادرست بودن طرق پیشبرد مذاکرات و محتوی بحث آن در موارد زیادی مستند است. نقطه مرکز مغالطه مناظره سیاسی با مذاکرات سیاسی است و نقطه مرکزی دوم عدم صراحت طالب برای طریق رسیدن به قدرت سیاسی در افغانستان است.

مجادله و تناقض در تأکیدات نو و کهنه، مجادله جور آمد، مصلحت سیاسی و اصول عدالت و حاکمیت مردم در قرن بیست، در ذهن و مواضع حتی خبره های سیاسی ما ادامه دارد و این مغز و بنیاد از مشکلات ما است.

یا مذاکره، مصلحت و جور آمد و لویه جرگه عنعنوی را انتخاب می کنیم و یا به انتخابات و یک تبعه یک رأی و لویه جرگه قانون اساسی تأکید داریم. هر دو شده نمی توانند. درین میان به جور آمد و شف های امریکا و ملل متحد و عده ای از سیاسیون داخلی رفتن زمینه ترمرد، استکبار و عملکردهای دو دهه اخیر دزدان سر گردنه را تشجیع و چاق نموده، سبب ادامه تراژیدی ملت افغان و در نهایت سبب شکست مفتضح امریکا در منطقه خواهد شد. منفعت عمده و اساسی را استخبارات و استابلشمنت پاکستان خواهد برد.

مسلم این است که پاکستان و دزدان سرگردنه در تبنانی با ایران و حتی روسیه عملاً در جزیه گرفتن از امریکا موفق بودند و هستند.

بلی امریکا باید به یاد داشته باشد که این جزیه دادن به افتضاح امریکا و ادامه تراژیدی ملت افغان می انجامید.

دزدان سرگردنه در داخل افغانستان و تجزیه طلبان متعصب قومی و سمتی باید بدانند که افغانستان و ملت افغان و خود را با روش های خویش به بدبختی های بیشتر مواجه ساخته و سبب پشیمانی خود شان در نهایت امر نیز خواهد شد.

افغانان با مسؤلیت و پیشتاز نباید بی تفاوت و به من چه کردن، در مقابل به این وضع شف شف کرده و ادای مسؤلیت ایمانی و اخلاقی و ادای وجبیه خود را فراموش کنند. این روش خطاء و نادرست را باید با مواضع رسا و روشن جاگزین ساخت و حقایق را با منطق آن عام ساخته و به همه رسانید. این قوت نشر، بخش و رساندن حقایق و بسیج ملت افغان در استقامت مصالح و منافع کشور و مردم است که وضع را به نفع مردم افغانستان و امر خیر تغییر داده میتواند. به قدرت مردم باید باور داشت و در بسیج افکار و نیروهای ملی به نفع کشور و مصالح برحق ملت افغان نباید آرام نشست. اگر عده انگشت شمار در خدمت به ای اس ای و دشمنان وطن به بسیار بی شرمی در مسابقه اند و علناً درین راه کار میکنند، مردمان و نیروهای ملی و مترقی که قوت واقعی چرا نمی توانند نیرو ها و افکار خود را در خدمت حق و راه درست بسیج و متحد عمل کنند. من باور دارم که حق پیروز خواهد شد و مردم راه خود را ازین حالت رقت بار به سوی فرادهای روشن خواهند یافت. دست به دست هم دادن و توکل به الله تعالی کردن مرجع امید ماست. و ما علینا الا البلاغ المبین



یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی ددی لیکوال نوری لیکنی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخوړ باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی نور مطالب د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کړی!

منافقت

Saidi_s_monaafqat.pdf